



- تهران - میدان 7 نیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک 17 - طبقه 4
- تلفکس : 5- 88349670 (021) - فاکس : 88349673 (021)
- URL:www.parsnamaddata.com
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:E-mail:info@parsnamaddata.com)

ادامه بخش سوم ، فصل 11: آب در هاون نکوبید.

در اراده خجسته خداوند تنها یک راه برای سازنده بودن گذشته وجود دارد و آن هم

این است که با آرامش اشتباهات گذشته را تجزیه و تحلیل کنیم و از آنها بهره ببریم و

فراموششان کنیم.

بگذارید از تجربه ای جالب که چند سال پیش کسب کردم سخن بگویم. حدود سیصد

هزار دلار از دست من رفت، بدون این که حتی یک پنی سود ببرم. ماجرا از این قرار بود،

من سرمایه گذاری زیادی در زمینه آموزش بزرگسالان انجام دادم، شعبه های فراوانی از

شهرهای مختلف باز کردم و برای هزینه های سربار و تبلیغات، پول زیادی را اسراف کردم.

بقدری مشغول تدریس بودم که وقت و اشتیاق برای رسیدگی به امور مالی را نداشتم. بقدری

گیج و کودن بودم که نمی توانستم تشخیص بدهم برای نظارت بر هزینه ها به یک مدیر مالی

کارگشته نیاز دارم.



- تهران - میدان 7 نیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک 17 - طبقه 4
- تلفکس : 5- 88349670 (021) - فاکس : 88349673 (021)
- URL:www.parsnamaddata.com
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:info@parsnamaddata.com)

سرانجام پس از یکسال، متوجه حقیقت تلخ و دردناکی شدم. فهمیدم به رغم دریافت پول فراوان، ابدأ نتوانسته ام سود ببرم و فهمیدم که باید دو کار انجام بدهم. اولین کار این بود که مثل جرج واشنگتن کارور دانشمند سیاه پوست، شعور به خرج می دادم و همان کاری را می کردم که او کرد. او در یک بحران بانکی، چهل هزار دلار سرمایه همه عمرش را از دست داد. موقعی که افراد از او می پرسیدند آیا خبر دارد که ورشکسته شده است؟ جواب می داد: (بله این خبر را شنیده ام) و به تدریس ادامه می داد. او چنان خاطره این شکست را از ذهن خود پاک کرد که دیگر هیچ کس درباره این موضوع از او چیزی نشنید.

دومین کاری که باید می کردم این بود که اشتباهاتم را تجزیه و تحلیل کنم و برای همیشه از آن درس بگیرم. برای من خیلی کلافه کننده است که حماقت خود را بپذیرم، ولی خیلی وقت پیش فهمیدم که (خیلی آسان تر است که آنچه را خوب و بد است به بیست نفر یاد بدهی تا این که یکی از بیست نفری باشی که تعالیم خودت را مجبور باشی اجرا کنی).



- تهران - میدان 7 نیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک 17 - طبقه 4
- تلفکس : 5- 88349670 (021) - فاکس : 88349673 (021)
- URL:www.parsnamaddata.com
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:info@parsnamaddata.com)

آقای ساندرز به من گفت که آقای براندوین معلم خوشفکر، یکی از ارزشمندترین درسهای زندگیش را به او یاد داده است، آقای براندوین، از جا بلند شد و بطری شیر را با یک حرکت سریع داخل دستشویی انداخت و فریاد زد : (هیچ وقت برای شیر ریخته گریه نکنید) آن وقت از همه ما خواست که بالای دستشویی بروم و نگاهی به بطری شکسته شیر بیندازیم و بعد به حرفش ادامه داد و گفت: نگاه کنید، برای این که می خواهم این درس را در تمام طول زندگی از یاد نبرید. می بینید که این شیر ریخته و از بین رفته است و هر چه تو سر خودتان بزنی و موهایتان را بکشید، هیچ کسی نمی تواند حتی یک قطره از آن را به شما برگرداند. با کمی احتیاط و فکر ممکن بود بشود جلوی ریختن آن را گرفت، ولی حالا برای این کار خیلی دیر شده و تنها کاری که ما می توانیم بکنیم این است که فراموشش کنیم و دنبال کارهای بعدیمان را بگیریم.

فهمیدم که باید مراقب باشم بطری شیر از دستم نیفتد، ولی اگر افتاد و همه شیرها

ریخت کاملاً فراموشش کنم.



- تهران - میدان 7 نیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک 17 - طبقه 4
- تلفکس : 5- 88349670 (021) - فاکس : 88349673 (021)
- URL:www.parsnamaddata.com
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:info@parsnamaddata.com)

ضرب المثل هایی چون (تا به پل نرسیده ای درباره عبور از آن فکر نکن) و (برای شیر ریخته گریه نکن) اگر به جای آن دماغمان را بالا بگیریم، فقط روی همین دو ضرب المثل فکر و به آنها عمل می کردیم، نوشتن این کتاب ضرورت پیدا نمی کرد. در واقع، اگر بسیاری از ضرب المثل های قدیمی را به کار می بردیم، زندگی کاملتری داشتیم. در هر حال، دانش و آگاهی ، تا زمان یکه به مرحله عمل در نیاد، سودی ندارد. من هم قصد ندارم در این کتاب چیز تازه ای به شما بگویم. هدف این است که به شما چیزهایی را یادآوری کنم که خودتان هم می دانید و تلنگری به قربانیان بزنم و متوجهتان کنم که برای به کارگیری این ضرب المثل ها کاری کنید.

جک دمپسی در مورد شکست در بکس قهرمانی سنگین وزن جهان در مقابل تونی سوال کردم، گفت: من دوبار با تونی جنگیدم، ولی فایده نداشت و برای همیشه از صحنه مسابقات رانده شدم. نگران شدن کار دشواری بود، ولی من به خودم گفتم (قرار نیست در گذشته ها زندگی و یا برای شیر ریخته گریه کنم نمی گذارم مرا به زمین بیندازد)



- تهران - میدان 7 نیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک 17 - طبقه 4
- تلفکس : 5- 88349670 (021) - فاکس : 88349673 (021)
- URL:www.parsnamaddata.com
- [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:E-mail:info@parsnamaddata.com)

و این درست همان کاری است که جک دمپسی کرد، چگونه؟ با تکرار این حرف به خودش که تمام شد، تمام شد. (آیا باید برای گذشته نگران باشم؟) نه، و همین او را وادار کرد چنین بیندیشد که نگرانی ها متعلق به گذشته هستند. اولین کار را با پذیرفتن، فراموش کردن شکست خود و تمرکز کردن ذهن روی طرح های آینده، انجام داد. در خیابان برادوی، رستوران جک دمپسی و در خیابان پنجاه و هفتم هتل بزرگ شمالی را باز کرد. سرمایه او برای این کار جوایزی بود که از مسابقات بکس به دست آورده بود. بقدری خود را سرگرم کاری مفید کرد که نه وقت نگران شدن داشت و نه دلش می خواست این کار را بکند. او می گوید (در طی ده سال گذشته و حتی در دوران قهرمانی، تا این حد خوشبخت نبوده ام.) اگر عالم و آدم جمع شوند، نمی توانند گذشته را برگردانند. پس سعی نکنید آب در هاون بکوبید.